

دیوان اشعار

یوسف یاموری

www.ketab.ir

سرناسه	یاوری، یوسف، ۱۳۰۹ -
عنوان و نام پدیدآور	دیوان اشعار: حسن و دل، گامی در طریق انبیا، معراج، آوای دل، دل بی قرار/ یوسف یاوری؛ ویراستار مسعود یاوری.
مشخصات نشر	تهران: سریرا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۸۵۶ ص.
شابک	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۷۴۰۳ - ۰ - ۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	فهرست نویسی کامل این اثر در http://opac.nli.ir در دسترس است.
شماره کتابشناسی ملی	۷۴۲۱۹۰۲

www.ketab.ir



بنیاد نشر
سوریا

بنیاد نشر سریرا

تهران، میدان هروی، خیابان وفامنش،

بن بست گلستان، پلاک ۴، واحد ۱۴

تلفن: ۲۲۹۶۲۷۸۸

دیوان اشعار یوسف یاوری

ویراستار: مسعود یاوری

• چاپ اول: ۱۳۹۹ • شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه • ناشر: بنیاد نشر سریرا

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۷۴۰۳ - ۰ - ۹

چاپ: نیشته

قیمت: ۱۲۵،۰۰۰ تومان

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای صاحب اثر محفوظ است.

فخرست

- فخرست ۵
- مقدمه ۱۹
- حسن و دل ۲۳
- دربسایه ۲۴
- بازی کران در اقلیم جسم و جان و آغاز داستان ۲۷
- آغاز داستان ۲۹
- به ویسندی برکزیدن عقل فرزندش دل را ۳۱
- گذارد دل به قصر ندیان ۳۲
- با خبر شدن نظر از بیماری دل ۳۶
- اختیار آتم دادن دل به نظر همت کب آب بقا ۳۹
- بار یافتن نظر به دربار ناموس شاه و ملاقات با او ۴۳
- رسیدن نظر به کوه زهد و ریا و ملاقاتش با زرق زاهد غا ۴۶
- دلنگ شدن نظر از رنگ آمیزی زرق زاهد غا ۴۹
- نشان دادن همت شاه سر به آفتاب حیات به نظر ۵۱
- روان شدن نظر به عزم کب آب بقا بوی شردیدار ۵۶

- ۵۷..... اسیر شدن نظر به دست پناه رقیب
- ۶۰..... رسیدن نظر و رقیب بر نخل قامت علفدار حسن
- ۶۳..... بازگشت رقیب از بوستان قامت و خلاص شدن نظر از دست او
- ۶۵..... رسیدن نظر به کمر گاه به قصد ورود به شردیدار
- ۶۸..... برخورد نظر با لشکر مارپایان زنگی تبار و اسیر شدن او
- ۷۰..... خلاص شدن نظر از بند مارپایان و رسیدن او به شردیدار
- ۷۲..... دیدن نظر بچه زنگیان را در شردیدار
- ۷۴..... پیدا کردن نظر برادرش غمزه جادو به دربار حسن
- ۷۸..... با خبر شدن حسن از ملاقات غمزه جادو با برادرش نظر
- ۸۱..... باریافتن نظر به دربار حسن و آزمون حسن او را
- ۸۵..... به خلوت بردن حسن نظر را و از عشق خود با دل در میان نهادن
- ۸۷..... همراه نمودن حسن غلام خود خیال را با نظر هست را به نایب آب حیات
- ۸۸..... فرستادن حسن انکشی خود را به وسیله خیال و نظر برای دل
- ۸۹..... باریافتن خیال و نظر به پیشگاه دل و گزارش نظر از ناموریش به دل
- ۹۲..... تقاضای دل از خیال تا نقش را به جست امتحان نقاشی نامی
- ۹۳..... ترغیب نمودن خیال و نظر دل را به جست دیدار حسن
- ۹۵..... با خبر شدن و هم از قصد نظر و خیال و دل و غمازی کردن او به پیشگاه عقل

- ۹۶..... کریم بخش نظر از زندان عقل به وید و مز و اسرار خاتم
- ۹۹..... ایضا کرفار شدن نظر به دست رقیب
- ۱۰۰..... وارد شدن نظر به شمع دیدار و بار یافتن او به پیشگاه سخن
- ۱۰۳..... با خبر شدن عقل از کریم بخش نظر از زندان
- ۱۰۵..... با خبر شدن توبه در کوه زبد و ریا از ماجرای نظر و غمزه جادو
- ۱۰۸..... شکایت بردن توبه به پیشگاه عقل و بازگویی مغلوب شدنش از پناه غمزه ی جادو و نظر
- ۱۰۹..... آزاد نمودن عقل فرزندش دل را از بند
- ۱۱۱..... پذیرفتن دل نصایح عقل و یاری جستن او از صبر به سالار دربار خود
- ۱۱۳..... فرب خوردن دل به دنبال شکار آسمان جادو
- ۱۱۴..... کریم داستان
- ۱۱۶..... رسیدن غمزه جادو و نظر به شمع دیدار و به دربار حسن
- ۱۱۷..... ترسیدن حسن از لنگر کشی عقل به سوی شمع دیدار
- ۱۱۹..... اجابت نمودن عشق از امداد طلبیدن فرزندش حسن از بیم لنگریان عقل
- ۱۲۱..... روانه شدن پاهایان مهر و حسن به سوی مغرب زمین به عزم ستمیز با عقل و دل
- ۱۲۱..... رجز خوانی مصر
- ۱۲۲..... جواب عقل به رجز خوانی مصر
- ۱۲۸..... شکست خوردن لنگریان حسن به سرداری مصر از پناه عقل و دل

- استداد طلبیدن حسن از خال بعد از شکست او از لکریان عقل ۱۳۰
- بار یافتن آن به تدبیر خال به میثاق حسن و یاری طلبیدن ۱۳۳
- حسن از او برای پیکار با عقل و دل ۱۳۳
- آمدن آن به میدان و تاورد طلبیدن از دل و رجز خوانی او ۱۳۷
- جواب دل به رجز خوانی آن و اسیر شدنش به دست او ۱۳۸
- رو یار و شدن عقل با سواران زکلی تبار زلف ۱۴۰
- مشورت کردن حسن با دایه اش ناز در باره دل و درمان او ۱۴۲
- رسیدن محرم به میثاق عشق از طرف فرزندش حسن ۱۴۵
- عشق چون این طرح برینست از شرق به غرب تا محبت و حسن ملک بدن را ۱۴۷
- خالی از عقل دید، بر جای اوتاج بر سر نهاد ۱۴۷
- بیقراری حسن از فراق دل و بقیه ی داستان ۱۴۹
- رفتن زلف به سوی چاه دقن جهت آزاد نمودن دل ۱۵۲
- رسیدن حسن به بالین دل در باغ دل گشای و بر شمره آشنایی ۱۶۰
- رفتن زلف و تبسم به باغ دل گشای و دیدار آلمان با دل ۱۶۴
- رنگ بردن غیر به حسن و طرح ریختن انتقام ۱۶۷
- پیدا شدن خیال از خواب ۱۷۳
- اخراج نمودن حسن دل را و فرستادن او به بند عتاب ۱۷۶

- آگاه نمودن غیر مکار حسن را از نقشه ی شوم خود ۱۷۸
- جواب دادن دل به حسن ۱۸۲
- سان دیدن حمت شاه لشکر و رفق به شر دیدار به عزم کرفتن اتمام دل ۱۸۵
- رضخت یافتن حمت شاه به بیگانه عشق و شفاعت نمودنش برای رحایی عقل و دل ۱۸۸
- رواژه یافتن عشق، حمت شاه را با سپاهی انبوه جست آزاد نمودن دل ۱۹۱
- رسیدن محراب ملک بهین جست رحا یافتن عقل ۱۹۲
- داستان عسل و عشق ۱۹۳
- پایخ عشق به عسل ۱۹۷
- رسیدن بهمت شاه به وادی حرمان و رحانیدن دل در بند بجز و عتاب ۲۰۲
- و فراهم نمودن عقد و وصلت او با حسن ۲۰۲
- دیدن دل و نظر و بهمت شاه خضر پیاپی را بر سر چشمه آب حیات ۲۰۹
- واژه نامه ۲۱۳
- گامی در طریق انبیا ۲۲۱
- چن کلامی و گردنونه وارکان ۲۲۲
- صحنه یکم منادی تارنج ۲۲۵
- صحنه دوم مردمان و خوش تارنج بی تکوان ۲۲۶
- صحنه سوم ساتی وک اووان خواوم بر دود ۲۳۵

۲۳۹.....	صحنه چهارم شادابی شادابی عمل
۲۴۱.....	صحنه پنجم کارخانه ی زمان
۲۴۵.....	صحنه ششم عصاره و تقطیر
۲۴۷.....	صحنه هفتم تماشا چیان
۲۵۰.....	صحنه هشتم رنگ جماعت
۲۵۳.....	صحنه نهم تعلیم طوفانی و غیر توحیدی
۲۵۵.....	صحنه دهم کارگر و کار خور
۲۶۳.....	صحنه یازدهم بت آسین
۲۷۰.....	صحنه دوازدهم دیوانه استعمار یا از دوحای چن سر
۲۷۶.....	صحنه سیزدهم و مسیر آلودی رنگ
۲۸۲.....	صحنه چهاردهم دیم پرده حجاب دریا و لاو
۲۸۵.....	صحنه پانزدهم آلودی توحید قرآن
۲۹۰.....	صحنه شانزدهم و میزبانی حجت
۳۱۷.....	مسرح
۳۲۷.....	سائیش ذات حضرت باری تعالی
۳۳۳.....	مدح حضرت خواجیه ی دو سرا خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص)
۳۳۷.....	ایضا مدح حضرت فخری مرتبت (ص)

- ۳۴۸..... مدح حضرت مظهر العجائب امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع)
- ۳۶۶..... آرایش زمین و آسمان جهت استقبال حضرت خاتم
- ۳۷۶..... جیم و ناز بکر شستو
- ۳۷۷..... فرمان ذات باری تعالی به حضرت جبرئیل برای آوردن براق از
- ۳۷۷..... بهشت جهت سیر دادن حضرت خاتم به معراج
- ۳۷۸..... نصیبیت اُمّ حانی بی
- ۳۸۷..... مان نخست و فرشته ی اذان
- ۳۸۸..... بقیه از نگارنده
- ۳۹۵..... غاصبان اموال ایام ان الذین یاکفون اموال الناس فی ظلمنا انا یاکفون فی بطونهم ناراً و یصلون سیرا
- ۳۹۶..... آسمان اول و زمین مرآت اعمال بشر هستند
- ۳۹۸..... ملاقات پیامبر گرامی ص با حضرت آدم نبی (ع) در آسمان دنیا
- ۳۹۹..... فرشته ی محاسب قطرات باران در آسمان دوم
- ۴۰۱..... ملاقات حضرت رسول اکرم ص با حضرت عیسی و یحیی (ع)
- ۴۰۱..... در آسمان دوم
- ۴۰۳..... دیدار پیامبر ص با حضرت یوسف نبی (ع) را در آسمان سوم
- ۴۰۴..... وجه تسمیه ی قم در آسمان چهارم
- ۴۰۷..... تمثال مبارک حضرت علی (ع) در آسمان پنجم

- دیدار حضرت خاتم الص با حضرت موسی کلیم ع در آمان ششم ۴۰۹
- آمان بنتم طریقه ی قبض روح کردن حضرت عزرائیل از خلائق ۴۱۰
- ملاقات حضرت خاتم الص با حضرت ابراهیم ع در آمان هفتم ۴۱۴
- سدره المنشی ۴۱۵
- درخت سدره المنشی ۴۱۷
- گریزداستان از نگارنده و عرض مندی منابع درباره ی سدره المنشی ۴۱۸
- داستان حضرت جبرئیل در سدره المنشی ۴۲۱
- حضرت جبرئیل به صورت اصلی ۴۲۴
- ملک ملکوت سرادقات آسار غیبیه و جای کزین رفوف به جای ۴۲۵
- براق و فتح بنفاد حجاب اسرار الهی ۴۲۵
- ایضاً فتح ۱۲ حجاب دیگر اسرار الهی ۴۳۰
- عرش عظیم جلال ۴۳۱
- لوای شفاعت ۴۳۳
- جنت المنوی در انتهای سدره المنشی و لقد راہ نزله اخری عند ۴۳۵
- سدره المنشی عند حاجت المنوی ۴۳۵
- سوال مردم از پیغمبر گرامی ص و در باره ی بهشت ۴۳۷
- نوشته های ابواب بهشت ۴۳۹

- ۴۴۰..... الصدق بغير اسألها والقرض بئایه عشر
- ۴۴۲..... فرمکان عامل ساخت و ساز در بهشت به نسبت اعمال بر انسان در دنیا
- ۴۴۴..... قاشای بهشت و کوثر
- ۴۴۶..... حوض کوثر
- ۴۴۸..... درخت طوبی
- ۴۵۱..... سیاهای جحیم
- ۴۵۶..... خلاصه ای از نوشته حابر در باب ابواب جحیم و جحیم چهارم
- ۴۵۸..... در دغم نفس اماره از نگارنده
- ۴۶۸..... باب جحیم ششم و هفتم
- ۴۶۹..... بقیه از نگارنده
- ۴۷۱..... ولایت منظر لعجانب امیر المؤمنین حضرت علی (ع)
- ۴۷۳..... اسرار نقطه
- ۴۷۴..... نقطه از دید نگارنده
- ۴۷۵..... قال الله تبارک و تعالی انزل القرآن علی سبعة احرف
- ۴۷۵..... قال سید المومنین علی بن ایطالب (ع) ان کما فی الکتاب المنزلة فی القرآن فی الهمد
- ۴۷۵..... وکما فی الهمد فی البسط وکما فی البسط فی الباء وکما فی الباء فی النقطه واما نقطه تحت الباء
- ۴۷۶..... فرمان تزویج حضرت فاطمه زهرا (س) با حضرت علی (ع)

- ۴۷۸..... دنباله‌ی تزویج حضرت زهرا (س) با حضرت علی (ع)
- ۴۸۰..... جاودان کردن باغ رسالت از طریق امامت
- ۴۸۳..... عصبان ناامیدی از الطاف حضرت باری تعالی از نگارنده
- ۴۸۶..... مصاحبه و مکالمه‌ی حضرت باری تعالی با پیامبر خاتم (ص) در معراج از زبان امام ششم
- ۴۹۰..... اوصیای پیامبر (ص) بر ساق عرش
- ۴۹۰..... التذاکف و شهود حضرت رسول کریم (ص) با ذات باری تعالی با زبان امام صادق (ع)
- ۴۹۲..... حیب و محبوب (۱)
- ۴۹۳..... حیب و محبوب (۲)
- ۴۹۴..... حیب و محبوب (۳)
- ۴۹۶..... حیب و محبوب (۴)
- ۴۹۷..... حیب و محبوب (۵)
- ۴۹۹..... حیب و محبوب (۶)
- ۵۰۲..... حیب و محبوب (۷)
- ۵۰۲..... حیب و محبوب (۸)
- ۵۰۳..... حیب و محبوب (۹)
- ۵۰۴..... حیب و محبوب (۱۰)
- ۵۰۸..... حیب و محبوب (۱۲)

- حبیب و محبوب (۱۳) ۵۰۸
- در دغم نفس اماره از بخارنده ۵۱۰
- پاداش متقین (۱) ۵۱۳
- پاداش متقین (۲) ۵۱۴
- پاداش متقین (۳) ۵۱۶
- میش خوشگوار و حیات بی زوال ۵۱۸
- رضای ما (۱) ۵۲۲
- رضای ما (۲) ۵۲۲
- رضای ما (۳) ۵۲۴
- رضای ما (۴) ۵۲۵
- رضای ما (۵) ۵۲۶
- رضای ما (۶) ۵۲۷
- رضای ما (۷) ۵۲۸
- نزود و ریا معراج ۵۳۱
- خلفت عزت بخشیدن پیاپی کرامی (ص) بر عرش ۵۳۳
- اجازه می بازگشت از بام آسمان حایه زمین ۵۳۳
- قوس نزولی در سیر امکانی بازگشت از مقام قرب به مدرة العشی ۵۳۵

- ۵۳۷..... ایضا بازدید و تماشای بهشت
- ۵۴۰..... بازگشت حضرت خاتم اس ابه سوی زمین و در آمان چهارم ملاقات
- ۵۴۰..... با حضرت موسی (ع) و انبیاء مرسل و بازدید منازل اعلییت خویش را
- ۵۴۱..... نخستین ملاقات
- ۵۴۵..... مقصود آفرینش
- ۵۴۶..... حجاب دوازده گانه از نور وجود مقدس حضرت محمد (ص)
- ۵۴۹..... خلقت نیست دریا از نور وجود مقدس حضرت خاتم (ص)
- ۵۵۰..... خلقت یکصد و بیست و چهار هزار ساله از نور وجود مقدس حضرت خاتم (ص)
- ۵۵۵..... دعا و مناجات بهت ختم کتاب
- ۵۶۱..... واژه نامه
- ۵۷۹..... آدای دل
- ۵۸۰..... مدح ذات باری تعالی
- ۵۸۳..... مدح حضرت اشرف الانبیاء خواجده و سمر حضرت محمد مصطفی (ص)
- ۵۹۰..... اعتراف به کنان
- ۵۹۲..... سلسله مناجات با اشعار فارسی
- ۶۲۹..... مناجات نامه کردی
- ۶۲۹..... نادر بی نادر نادر یا مجیر

- ۶۳۰..... پس مار غلت زنب و تاوانم
- ۶۶۳..... عبد نامم ز عصیان
- ۶۶۸..... غل توبه کر باقی والسلام
- ۶۷۰..... دستم کوتاه و خراب بر غفل
- ۶۷۴..... دل اشک داغ دادم دیری
- ۶۷۵..... ای تشه کمان کوزه پر آوه
- ۶۸۲..... یغزکم بالله العزور
- ۶۸۵..... ز نار و کردن مصحف و دستی
- ۶۸۷..... قلبی عطا کر شیت و شیدا بو
- ۶۹۰..... حمدی رضای ذات منان بو
- ۶۹۴..... دست صانع مصنوع دیاره
- ۷۰۲..... غزلیات
- ۷۱۹..... دیده و دل
- ۷۲۲..... جواب دل به دیده
- ۷۲۹..... واژه نامه
- ۷۴۰..... دل بی قرار
- ۷۵۲..... وصف حال مرحوم داشی جان در بستر بیماری با در خواست خودش از این جانب

- ۷۵۵ وصف حال و یاد خاطره های دانشی جان در بستر بیماری
- بان ای مثل افروزان کلبه های ماتم و پریشانی ای زخمه زمان پرده های مصیبت و سوگواری و ای نغمه سرایان
- ۷۷۳ حزن و دلگشایی بیاید تا نغمه های ماتم سراییم
- ۷۷۹ شکوه ای اساد، جناب آقای مارونی از خلک به سبب شهادت فرزند گرامیشان
- ۷۸۱ پاسخ به مناجات و شکوه ای اساد، جناب آقای مارونی
- ۸۰۶ در وصف دکتر پروغنی
- ۸۱۱ در وصف میرزا اسماعیل
- ۸۱۵ در وصف دکتر شیرین حقیقی
- ۸۱۸ باورین و یاد و دوران دهر
- ۸۲۹ رنج بیسری و دور زمانه
- ۸۳۱ دوجی
- ۸۳۳ نوحه سرایی
- ۸۳۳ رو به روشن شای کربلا از شدت عطش امل میت در روز تاسوعا
- ۸۴۰ برای عسکدارم برا
- ۸۴۴ تو جوان کم کردم
- ۸۵۲ وای و طوفان زمان
- ۸۵۹ زنبویی اشو و تو میوانم

مقدمه

میرزا یوسف یاور بی تردید یکی از شاعران معاصر ایران اسلامی است که بالغ بر هشت هزار بیت شعر در اوزان مختلف را با بیانی شیوا به زبان فارسی و کردی در قالب غزل، قصیده، مثنوی، دوبیتی، ترجیع بند و ... تقدیم جامعه مشتاقان ادبیات این سرزمین کرده است. بهره مندی از حافظه سرشار، ذوق ادبی، مسلک عرفانی، اطلاعات تاریخی و دانش مذهبی و به ویژه تسلط تکلف وی به فرهنگ و اصطلاحات کردی منطقه غرب کشور و کرمانشاهان آثارش را در نوع خود کم نظیر ساخته است.

شاعر ماکه از حادگان مرحوم ملک حسین خان کلیایی شاعر و عارف نام آشنای قرن سیزدهم است. در حجم و گستره کی اشعار و نوع آن گوی بخت را از سلف خویش ربوده است. از مناجات نامه، اودی، نوحه ها و مرثیه های گوناگون است شهادت حضرت اباعبدال احسین سروده و در مراسم عاشورای حسینی منطقه ی کلیایی توسط بیست های عزاداری خوانده می شود تا تصویر سازی او از معراج پیامبر اسلام (ص)، روز واپسین و دادخواهی قرآن، نبرد عقل و عشق و سرگذشت انبیا در منظومه های دل بی قرار، آدای دل، حسن و دل، معراج و کای در طریق انبیا بجای مجموعه ای ماندگار را در میراث فرهنگی این مرز و بوم به جای می گذارد.

این منظومه مانند نظامی گنجوی قصه ملی عبرت آموز را با بیانی شیوا به نظم می آورد. در هر یک از این منظومه با مهارت بسیار و بهره مندی از صنعت برانت اشتلال، موضوع را با ذکر اوصاف الهی مرتبط با قصه آغاز می کند. مثلاً منظومه حسن و دل که قصه ای عرفانی از نبرد احساسات درونی (جسم و جان) انسان است، این گونه آغاز می شود.

به نام خداوند کون و مکان خداوند جسم و خداوند جان
 آنگاه به زبان کردی با خدای خود مناجات می کند. کلام دلنشین و زیبایش سرشار از عبودیت، بندگی و عرفان است و خواننده را در سفری معنوی با خود همراه می سازد.

با استقاده از واژه ها، اصطلاحات و تعبیرات کلاسیک کردی همراه با صنایع ادبی در این مجموعه، می توان ادعا کرد که خدمت هفتاد ساله ییوری به ماندگاری ادبیات کردی در نوع خود بی نظیر و سرآمد بوده و مشابه خدمت فردوسی به زبان فارسی است. در کنار این ویژگی باید ییوری را در استقاده از تعبیر قرآنی، حکایات، امثال و حکمت ها در زبان کردی با مولوی مقایسه کرد. تسلط بهم زبان وی به ادبیات فارسی و کردی شیه شریار است برای ترک زبانان و اگر میرزا یوسف را شریار کرمانشاه نامید سخی به کزاف نیست.

تخلص بی آرایش شاعر، به عنوان یوسف، حکایت از نهایت تواضع وی دارد چه آنکه با
این همه آمار بچگاه برای خود عنوان دیگری غیر از نام کوچکش برگزیده است. افرادی که با او
مراوده دارند این خصلتش را به روشنی دریافته اند.

دکتر علی پروینی

شهریور ۱۳۹۹

www.ketab.ir